

یادداشتی از روح‌الله جبرائیلی، دبیر مجمع مشورتی نظام مسائل استان تهران؛

پشت پرده «نفوذ خاموش» در مدیریت کشور؛ هشدار درباره تهدیدی بزرگ‌تر از جنگ: نترسید، همه با هم هستیم

در شرایطی که ایران با فشارهای اقتصادی، جنگ روایت‌ها، و آشفتگی رسانه‌ای روبه‌روست، حفظ تاب‌آوری ملی بیش از هر زمان دیگر حیاتی است. دشمنان ملت ایران، همان کشورهایی که در جنگ‌های اخیر صلح را قربانی منافع خود کردند، امروز با ادعای دلسوزی برای مردم ایران ظاهر شده‌اند؛ حال آن‌که پرونده‌های مداخله‌گرانه آنان در ونزوئلا، فلسطین، و خاورمیانه نشان می‌دهد که ساختار قدرت در نظام بین‌الملل همچنان به نفع معدودی از کشورها عمل می‌کند و منشور سازمان ملل از توازن و عدالت واقعی فاصله گرفته است.

به گزارش خبرنگاران گروه جامعه گزارش خبر، روح‌الله جبرائیلی، دبیر مجمع مشورتی نظام مسائل استان تهران در یادداشتی با عنوان «پشت پرده «نفوذ خاموش» در مدیریت کشور؛ هشدار درباره تهدیدی بزرگ‌تر از جنگ: نترسید، همه با هم هستیم آورده است :

در شرایطی که ایران با فشارهای اقتصادی، جنگ روایت‌ها، و آشفتگی رسانه‌ای روبه‌روست، حفظ تاب‌آوری ملی بیش از هر زمان دیگر حیاتی است. دشمنان ملت ایران، همان کشورهایی که در جنگ‌های اخیر صلح را قربانی منافع خود کردند، امروز با ادعای دلسوزی برای مردم ایران ظاهر شده‌اند؛ حال آن‌که پرونده‌های مداخله‌گرانه آنان در ونزوئلا، فلسطین، و خاورمیانه نشان می‌دهد که ساختار قدرت در نظام بین‌الملل همچنان به نفع معدودی از کشورها عمل می‌کند و منشور سازمان ملل از توازن و عدالت واقعی فاصله گرفته است.

اما درس بزرگ تاریخ برای ما این است: قدرت واقعی ملت‌ها نه از سازمان‌های جهانی، بلکه از انسجام داخلی و پاسخگویی ملی آغاز می‌شود.

۱. همبستگی اجتماعی؛ سپر در برابر فروپاشی اقتصادی

تجربه کشورهایی که از بحران‌های شدید عبور کرده‌اند، نشان می‌دهد هماهنگی اجتماعی و انصاف صنفی نقشی تعیین‌کننده در حفظ ثبات دارد. زمانی که بازاریان، تولیدکنندگان و اصناف با انصاف و مسئولیت عمل کنند، فشار اقتصادی به‌طور عادلانه‌تری توزیع می‌شود و اعتماد عمومی بازسازی می‌گردد.

- احتکار، گران‌فروشی و سودجویی شخصی «سم پنهان» تاب‌آوری ملی‌اند.

- در مقابل، مشارکت، انصاف، و حمایت از زنجیره تولید داخلی همان انرژی اجتماعی مثبت است که در شعار «نترسید، همه باهم هستیم» معنا می‌یابد.

این همدلی، نه یک شعار، بلکه سیاستی بازدارنده در برابر تحریم و بی‌ثباتی است.

۲. جهت‌گیری اقتصادی نو؛ عبور از وابستگی و بازگشت به تولید

تحریم‌ها دقیقاً نقاط ضعف اقتصادی را هدف می‌گیرند؛ همان حوزه‌هایی که وابستگی خارجی در آن بالاست. راه عبور، تغییر مسیر اقتصاد از مصرف و واسطه‌گری به تولید و نوآوری است.

این گذار دشوار اما ممکن است، و نیازمند هماهنگی تصمیم‌گیران در سه سطح کلیدی است:

- حمایت فوری از واحدهای کوچک و متوسط صنعتی از طریق صندوق‌های ضمانت، کاهش بروکراسی و نوسازی فناوری.

- تسهیل دسترسی تولیدکنندگان به مواد اولیه و بازارهای جایگزین منطقه‌ای.

- تشویق بنگاه‌های فناورانه، صنایع سبز، و خوشه‌های نوآور که ظرفیت اشتغال پایدار دارند.

تولید داخلی زمانی جان می‌گیرد که مدیران اقتصادی با اراده و پاسخگویی تصمیم بگیرند، نه با ترس از ریسک و مسئولیت.

۳. شناخت نفوذ خاموش؛ بزرگ‌ترین تهدید درونی

جنگ مستقیم را همه می‌بینند، اما جنگ مدیریتی پنهان اغلب دیده نمی‌شود. نفوذ خاموش در ساختار تصمیم‌سازی، ناکارآمدی، و نبود پاسخگویی مدیران می‌تواند خسارتی فراتر از حمله نظامی داشته باشد.

مدیری که تصمیم نادرست می‌گیرد، یا در بحران خاموش می‌ماند، امنیت اقتصادی مردم را تهدید می‌کند.

از این رو، باید سازوکارهای شفافیت و مسئولیت‌پذیری اجرایی را تقویت کرد:

- ارزیابی مستمر عملکرد مدیران اجرایی با شاخص‌های واقعی پیشرفت و رضایت مردم.

- آموزش و توانمندسازی مدیران در حوزه اقتصادی، اجتماعی و ارتباط با افکار عمومی.
- الزام نهادهای تصمیم‌گیر به انتشار عمومی گزارش‌های عملکرد و پاسخ‌گویی در برابر پیامدهای تصمیماتشان.

پاسخگویی، نه ابزاری برای فشار سیاسی، بلکه مهم‌ترین پایه‌گذار اعتماد ملی است.

۴. اشتغال و امید اجتماعی؛ بازسازی چرخه تولید و کرامت کاری

تهران به‌عنوان محور اقتصاد کشور، نشانه‌های یک هشدار چندبعدی را در خود دارد:

- افزایش جمعیت غیرفعال اقتصادی
- تعطیلی تولیدی‌های خرد
- تغییر الگوی اشتغال به سمت مشاغل ناپایدار نظیر رانندگی پلتفرمی

برای عبور از این بحران، باید هم از تولیدکنندگان موجود حمایت فوری کرد، هم مشاغل نوین را ساماندهی و حرفه‌ای‌تر نمود، و هم بر صنایع آینده‌نگرانه سرمایه‌گذاری کرد.

رانندگان پلتفرم‌ها، کارگران خدمات شهری، و صاحبان کسب‌وکارهای خرد، همه بخشی از ستون تاب‌آوری اجتماعی هستند؛ باید با آنان گفت‌وگو، آموزش و حمایت واقعی داشت، نه با شعار.

سخن پایانی

در چنین دوران سختی، جامعه‌ای پیروز است که میان مردم و مدیرانش اعتماد متقابل شکل گیرد؛ جایی که مردم صداقت ببینند و مسئولان پاسخ بدهند.

تاب‌آوری ملی زمانی معنا پیدا می‌کند که تصمیم‌گیران با مردم در یک صف باشند، نه در جایگاه جدا.

ایران برای عبور از این مرحله به مدیران پاسخگو، مردم مسئول، و رسانه‌های آگاه نیاز دارد.

شعار ما باید همان باشد که از دل مردم برمی‌آید:
نترسید، همه باهم هستیم.